

بریکس می تواند الگوی ار تباطی نوینی برای تقویت همکاری های کشورهای عضو ارائه دهد

رئیس‌جمهور با تأکید بر علاقمندی ایران برای توسعه روابط با اتیوپ، تحقق این هدف را مستلزم فعال‌سازی کمیسیون مشترک همکاری، احصای دقیق نقاط اشتراک، شناسایی ظرفیتهای مکمل و حرکت در مسیر گفت‌وگو، توافق و تفاهم مبتنی بر منافع متقابل دانست.

به گزارش ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان در دیدار تگسه جافو، رئیس مجلس نمایندگان اتیوپ، با تأکید برعلاقemندی جمهوری اسلامی ایران به توسعه و تعمیق روابط دوجانبه، اظهار کرد: ایران آمادگی دارد روابط خود با اتیوپ را در تمامی زمینههای ممکن از جمله حوزههای اقتصادی، دیپلماتیک،فرهنگی وامینیتی گسترش دهد

وی تحقق این هدف را مستلزم فعال‌سازی کمیسیون مشترک همکاری، احصای دقیق نقاط اشتراک، شناسایی ظرفیتهای مکمل و حرکت در مسیر گفت‌وگو، توافق و تفاهم مبتنی بر منافع متقابل دانست و خاطرنشان کرد: بهره‌گیری هدفمند از سازوکارهای نهادی موجود می‌تواند به تسریع روند همکاری‌ها میان دو کشور منجر شود.رئیس‌جمهور با اشاره به عضویت مشترک جمهوری اسلامی ایران و اتیوپ در سازمان بریکس، این چارچوب چندجانبه را بستری ارزشمند و راهبردی برای گسترش تعاملات، تعمیق ارتباطات اقتصادی و سیاسی و نیز مقابله با رویکردهای یکجانبه‌گرانه در نظام بین‌الملل توصیف کرد و افزود: بریکس می‌تواند الگوی ارتباطی نوینی بر پایه احترام متقابل به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، فرهنگ‌ها وتمن‌های متنوع کشورها ارائه دهد و زمینه‌ساز همکاری‌های عادلانه و متوازن در سطح جهانی باشد.پزشکیان خاطرنشان کرد که جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد با رویکردی مسئولانه و با مشارکت تمامی کشورهای منطقه، در مسیر تثبیت و تقویت صلح و امنیت پایدار نقش‌آفرینی کند.

ایمنی بدن تغییر رفتار معنا ندارد

مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان با اشاره به اهمیت ایمنی و نقش دانش کاربردی در کاهش حوادث گفت: بر اساس آمار رسمی، سالانه بیش از ۱۹ هزار نفر در تصادفات جادهای کشور جان خود را از دست می‌دهند و بخش عمده این حوادث ناشی از خطای انسانی است. منصور شیشهفروش در هفتمین همایش تجلیل از تلاشگران حوزه سلامت ایمنی و محیط زیست با هدف قدرانی از تلاش‌های بی‌وقفه کارشناسان ومدیران برتر پروژه‌های سازمان حمل‌ونقل ریلی شهرداری اصفهان اظهار کرد: کسانی که در حوزه‌هایی همچون مدیریت بحران، HSE، هلال احمر، اورژانس و خدمات امدادی فعالیت می‌کنند، باید به‌روز، شجاع، انعطاف‌پذیر و اهل کار جمعی باشند و بدون منت، تنها با هدف رضای خدایند خدمت کنند و با بیان اینکه تقدیرهای دنیوی پاسخ واقعی فعالیت‌های نجات‌بخش نیست، افزود: جزای واقعی این خدمات در نگاه الهی و در سلامت خود افراد و خانواده‌هایشان نهفته است و انسان در مسیر زندگی می‌بیند که هر کار خیری که برای دیگران انجام داده، در جایی دیگر دستگیر او می‌شود. مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان تأکید کرد: در باور ما باید این اصل نهادینه شود که پاداش کار خوب در دل همان کار نهفته است و کسی که جان انسانی را نجات می‌دهد، نباید در انتظار پاداش ظاهری باشد چراکه ارزش این عمل فراتر از معیارهای دنیوی است، شیشهفروش گفت: در مباحث علمی و بر اساس آنچه یونسکو نیز اعلام کرده، تعریف سواد در طول زمان تغییر کرده و امروز دیگر صرف خواندن و نوشتن یا حتی داشتن مدرک دانشگاهی معیار باسوادی نیست، بلکه سواد واقعی توانایی ایجاد تغییر در زندگی بر اساس دانسته‌هاست، او ادامه داد: امروز مفاهیمی همچون سواد مالی، سواد رسانه‌ای، سواد سلامت، سواد انرژی و سواد عاطفی مطرح است و تمام این‌ها زمانی معنا پیدا می‌کند که دانسته‌های ما منجر به تغییر رفتار، تصمیم‌گیری صحیح و اصلاح فرآیندهای زندگی فردی و اجتماعی شود. مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان خاطرنشان کرد: اگر امروز در چنین نشست‌هایی حضور پیدا می‌کنیم، هدف افزایش صرف اطلاعات نیست، بلکه باید این دانسته‌ها به عمل منجر شود، چراکه بی‌تفاوتی در حوزه ایمنی هیچ نقشی در کاهش خطرات و حوادث ندارد. شیشهفروش گفت: بر اساس اعلام پلیس، در سال ۱۴۰۳ بیش از ۱۹ هزار نفر در جاده‌های کشور جان خود را از دست دادند و حدود ۳۰۰ هزار نفر نیز مجروح شدند و این آمار در سال ۱۴۰۲ نیز تقریباً به همین میزان بوده که نشان‌دهنده عمق بحران ایمنی است. او افزود طبق همین آمار ۷۵ درصد علت تصادفات خطای انسانی است؛ عواملی همچون سرعت غیرمجاز، سبقت غیرمجاز و بی‌توجهی به جلو که ریشه در شرایط روحی، اقتصادی و ذهنی رانندگان دارد و پیامدهای سنگینی به‌دنبال دارد. مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان تأکید کرد: حتی از دست رفتن جان یک نفر هم زیاد است، چه برسد به ۱۹ هزار نفر و همه ما وظیفه داریم برای نجات حتی یک انسان تلاش کنیم و اگر امروز از فعالان حوزه ایمنی تقدیر می‌شود، بعیدلی نیست نقش آنان در کاهش خطای انسانی است. شیشهفروش گفت: در بررسی حوادث شهری، همچون حادثه یکی از وسایل بازی در پارک نازوان، مشخص شد بخشی از علت حادثه به خطای انسانی، نبود تابلو هشدار و ضعف در اطلاع‌رسانی بازی‌م‌کرد که نشان می‌دهد پیشگیری نقش کلیدی دارد. او ادامه داد: مستندسازی در حوزه HSE اهمیت زیادی دارد و بر اساس آئین‌نامه‌های ایمنی کشور، هر کارگاهی که بیش از ۲۵ نفر نیرو دارد باید مسئول حفاظت فنی و کمیته ایمنی فعال داشته باشد تا از بروز حوادث برای نیروی کار جلوگیری شود.مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان خاطرنشان کرد: در حال حاضر بیش از ۲ هزار نفر در قالب بیش از ۹۰ قرارداد پیمانکاری در حوزه خدمات ریلی شهرداری اصفهان فعالیت می‌کنند و شدت حوادث نسبت به سال گذشته کاهش یافته که نشان‌دهنده اثرگذاری اقدامات ایمنی است.

استاندار اصفهان با تأکید بر استقرار مدیریت مشارکتی آب و سیربن نقش نظارتی به کشاورزان، از اجرای برنامه‌های خبر داد که هدف آن قطع وابستگی صنایع بزرگ استان به منابع زاینده‌رود و آب‌های زیرزمینی و حرکت به‌سوی تأمین پایدار آب با مشارکت مستقیم ذی‌نفعان است.

به گزارش ایرنا، مهدی جمالی‌نژاد در جمع کشاورزان روستای وچاره (منطقه برآن شمالی شهرستان اصفهان) که در محل مهدیه آن روستا با محوریت آب، زاینده‌رود و خسارات برگزار شد؛ بر ضرورت حل مشکلات آبی و کشاورزی با مشارکت مستقیم بهره‌برداران تأکید کرد. استاندار اصفهان بر لزوم استقرار سیستم مدیریت مشارکتی آب با محوریت بهره‌برداران کشاورزی تأکید کرد و گفت: این تصمیم در راستای اجرایی‌کردن ماده ۴۰ برنامه هفتم توسعه و باهدف رفع چالش‌های آبی استان از طریق مشارکت مستقیم ذی‌نفعان کلید خورد. او با اشاره به شرایط دشوار کنونی از جمله خشکسالی، کمبود آب و ناترازی انرژی، خاطرنشان کرد: با این حجم از مشکلات، تنها راه‌حل، ایستادگی و مشارکت خود مردم است. استاندار اصفهان با اشاره به مصوبه‌ای در جلسات پیشین، از تصمیم به اجرایی‌سازی مدیریت مشارکتی آب بر اساس ماده ۴۰ برنامه هفتم توسعه خبر داد و افزود: طبق این قانون، باید ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن، مدیریت آب با مشارکت بهره‌برداران بخش کشاورزی و ذی‌نفعان محلی استقرار یابد. او تأکید کرد که کشاورزان بهتر از هر مدیر اجرایی می‌دانند مسائل حوزه خود را چگونه باید حل کرد. جمالی‌نژاد همچنین به سفرهای رئیس‌جمهور به استان اصفهان اشاره کرد و یادآور شد: سفرهای موضوعی وی به اصفهان قبلاً انجام شده و در یکی از این جلسات با حضور کشاورزان و نمایندگان آنان، موضوعات آبی موردبحث قرار گرفت و به نتیجه رسید. او افزود که در این جلسات، دانشگاه صنعتی اصفهان به‌عنوان محور برنامه‌ریزی برای مسائل آب استان تعیین شده و از کشاورزان نیز برای مشارکت در این فرایند دعوت خواهد شد. او از کشاورزان خواست تا با ورود مستقیم و پیگیری موضوعات، زمینه را برای اجرایی‌شدن هرچه بهتر تصمیمات فراهم کنند و تصریح کرد: صدای بی‌صداهای باید شنیده شود و من حتماً پیگیر مشکلات شما خواهم بود.

ک توسعه پروژه‌های آبی کلید حل بحران کشاورزی و صنعت است

او در ادامه با اشاره به مشکلات معیشتی و اقتصادی کشاورزان اظهار کرد: با کمک نهادهای حمایتی پیگیر جبران خسارت‌های وارد شده هستیم. وی در تشریح اقدامات انجام‌شده، به چند پروژه مهم آبی اشاره کرد

ک تلاش برای تعادل بخشی آبی و رفع چالش‌های حقوقی

استاندار اصفهان در بخش دیگری از سخنانش به

وعده استاندار اصفهان برای پایان وابستگی صنایع به زاینده‌رود

کشاورزان ناظر توزیع آب می‌شوند



که به گفته وی، تحولی بزرگ در تأمین آب پایدار استان ایجاد خواهند کرد. استاندار اصفهان تصریح کرد: فاز نخست پروژه بزرگ انتقال آب دریا به پایان رسیده و آب به صنایع بزرگی مانند فولاد مبارکه و پالایشگاه اصفهان رسیده است و بر اساس گزارش‌های پیشین، فاز نخست این طرح با لوله‌گذاری ۸۰۰ کیلومتری، امکان انتقال ۷۰ میلیون مترمکعب آب شیرین‌شده را فراهم می‌آورد که هدف نهایی، قطع وابستگی این صنایع به منابع آبی زاینده‌رود و آب‌های زیرزمینی است.

پیگیری مسائل کشاورزان و تشکیل جلسات مستمر جمالی‌نژاد همچنین از تشکیل جلسات مستمر و روزانه برای پیگیری مسائل مختلف از جمله آب خبر داد و گفت: دغدغه مدیریت استان از شما کشاورزان جدا نیست و روزانه شاهد چندین جلسه دراین‌خصوص در استانداری هستیم. او همچنین به جلسه اخیر با کشاورزان و دامداران خمینی‌شهر اشاره کرد که ملی آن مسائلی مانند تأمین نهاده‌های دامی و کشت بهاره بررسی شد. استاندار اصفهان قول داد مسائل مطرح‌شده از جمله تغییر کاربری اراضی و تخریب باغات که به کشاورزان آسیب می‌زند، در جلسات هفتگی ستاد توسعه شرق پیگیری شود.

ک تلاش برای تعادل بخشی آبی و رفع چالش‌های حقوقی

استاندار اصفهان در بخش دیگری از سخنانش به

موضوع حقابه‌های کشاورزان شهر و استان مجاور اشاره کرد و گفت: برای حل‌وفصل مسائل حقوقی و قانونی آن، تیمی متشکل از کارشناسان بومی تشکیل خواهد شد. او قول وزیر نیرو درباره مدیریت واحد آب را پیگیری قابل‌تحقق دانست.

ک پیگیری موضوع اشتغال و وام کشاورزان

او در پاسخ به سؤالات کشاورزان موضوع آب شرق اصفهان را بسیار مهم خواند و گفت: موضوع آب خصوص در شرق اصفهان به بررسی و جلسات بیشتر نیاز دارد. جمالی‌نژاد افزود: یقیناً یک تیم حقوقی برای مشارکت فعالان بخش کشاورزی و با محوریت جهاد کشاورزی استان تشکیل می‌شود تا به‌صورت شفاف و صریح موضوع آب صنایع و کشاورزی را پیگیری کند. او با اشاره به دغدغه‌های مطرح‌شده درباره مدیریت آب در وزارت نیرو و حوزه آبریز، اعلام کرد که جلسات هفتگی توسعه شرق استان با حضور ذی‌نفعان در حال برگزاری است و مصوباتی داشته است. استاندار اصفهان بر نظرات کشاورزان بر توزیع آب به‌عنوان امری بسیار مهم تأکید کرد و گفت: شما ناظر قضیه خواهید بود و ما مصوبه اولیه، بسیاری از دغدغه‌های شما رفع می‌شود. او در دیگر محوره‌های مهم فعالیتش در کشاورزی انجام در بالادست، خواستار مراجعه به نامه‌ها و پیگیری‌های اداری شد و گفت: اگر کشاورزان کالای‌های دارند، به‌عنوان مدیر استان قاطعانه از حق کشاورزان دفاع خواهم کرد

بسیج دانشجویی باید دانشجورا درگیر حل مسائل کشور کند



نه فقط بسیج دانشجویی، مزایایی دارد که برخی برای آزمون‌های استخدامی و برخی برای کسری اردوی جهادی محدود بود، اما اکنون این مرزها برداشته شده است. اگر به روستایی سفر کنیم که نیازمند کارشناس کشاورزی باشد، می‌توانیم فعالیت کشاورزی انجام دهیم. در حوزه پزشکی، آموزشی، علمی و فرهنگی نیز همین‌گونه است. تلاش کرده‌ایم فعالیت‌ها تخصص‌محور شود تا دانشجویان براساس رشته و مهارت خود در برنامه‌ها مشارکت کنند. ستوده از دیگر محوره‌های مهم فعالیت بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان نام برد و توضیح داد: پژوهشکده شهید شهرباری و ارتباط آن با صنعت جایی است که دانشجویان می‌توانند محور اجرای برنامه‌ها باشند.

در کارگروه بازی‌جو نیز از ظرفیت دانشجویان برای فعالیت در زمینه بازی‌سازی استفاده می‌شود. در همه برنامه‌ها سعی ما بر این است که دانشجویان تنها مخاطب نباشند، بلکه در اجرا نیز مشارکت داشته باشند. مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان تصریح کرد: همانند روال گذشته، مجموعه بسیج،

اجرای برنامه‌ها دارند. مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان یادآور شد: در گذشته، فعالیت‌های اردوی جهادی محدود بود، اما اکنون این مرزها برداشته شده است.

اگر به روستایی سفر کنیم که نیازمند کارشناس کشاورزی باشد، می‌توانیم فعالیت کشاورزی انجام دهیم. در حوزه پزشکی، آموزشی، علمی و فرهنگی نیز همین‌گونه است. تلاش کرده‌ایم فعالیت‌ها تخصص‌محور شود تا دانشجویان براساس رشته و مهارت خود در برنامه‌ها مشارکت کنند. ستوده از دیگر محوره‌های مهم فعالیت بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان نام برد و توضیح داد: پژوهشکده شهید شهرباری و ارتباط آن با صنعت جایی است که دانشجویان می‌توانند محور اجرای برنامه‌ها باشند.

در کارگروه بازی‌جو نیز از ظرفیت دانشجویان برای فعالیت در زمینه بازی‌سازی استفاده می‌شود. در همه برنامه‌ها سعی ما بر این است که دانشجویان تنها مخاطب نباشند، بلکه در اجرا نیز مشارکت داشته باشند. مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان تصریح کرد: همانند روال گذشته، مجموعه بسیج،

سرمقاله

بنزین سه‌نرخی؛ موازنه یا انفجار؟

ادامه از صفحه یک: با این حال، طراحی چندنرخی این امید را ایجاد می‌کند که دهک‌های پایین مستقیماً تحت فشار قرار نگیرند؛ چون بیشتر آنها مصرفشان در محدوده سهمیه پایه است. اما در وانت‌تارها، مسافربرها یا خانوارهای برمصرف، هزینه‌ها بالا می‌رود و احتمال دارد این فشار هزینه به بازار کالا و خدمات منتقل شود. از منظر روانی نیز جامعه اکنون در حال رصد است که آیا دولت می‌تواند وعده خود مبنی بر «عدم تغییر در سهمیه‌های پایه» و «افزایش تدریجی بدون شوک» را عملی نگه دارد یا نه؛ ازمونی برای اعتماد عمومی که در سال‌های اخیر آسیب زیادی دیده است؛از زاویه اقتصاد کلان، سخن‌خی شدن می‌تواند به دولت کمک کند تا از حجم پیرانه پنهان سوخت بکاهد و بخشی از منابع آزادشده را صرف زیرساخت و حمل‌ونقل عمومی کند. همچنین قیمت بالاتر برای مصرف مازاد، انگیزه قاچاق را کاهش می‌دهد و مصرف داخلی را مهار می‌کند؛ دو هدفی که در بلندمدت برای تراز انرژی کشور حیاتی‌اند. اما در کوتاهمدت احتمال افزایش هزینه تولید و خدمات وجود دارد که نیازمند نظارت و سیاست‌های جبرانی هوشمندانه است؛در سطح اجتماعی، این تصمیم می‌تواند به بازتعریف الگوی مصرف منجر شود. احتمال دارد مردم در استفاده از وسیله شخصی صرفه‌جویتر بشوند، تقاضا برای وسایل حمل‌ونقل عمومی افزایش یابد و نگاه جامعه نسبت به انرژی تغییر کند؛ اگرچه این روند تنها زمانی پایدار می‌شود که کیفیت خدمات عمومی هم ارتقا یابد. در غیر این‌صورت، افزایش قیمت به نارضایتی بدل می‌شود نه به اصلاح رفتار؛در نهایت باید گفت سخن‌خی شدن بنزین به معنای شروع دور تازهای از اصلاح اقتصادی است؛ حرکتی محتاطانه بر لبه تیغ میان واقعیت اقتصادی و حساسیت اجتماعی. موفقیت آن نه در عدد پنج هزار تومان، بلکه در نحوه اجرای سیاست، میزان شفافیت، اطلاع‌رسانی صادقانه و حمایت از اقشار ضعیف خواهد بود. اگر دولت بتواند این عناصر را در کنار هم نگه دارد، شاید این اصلاح بنزین به جای زخم تازه، نقطه پهبودی تدریجی در اقتصاد ایران باشد.

یادداشت

محبت مادرانه ، اکسیری حیات بخش

عشق به مادر چه فطری باشد چه اکتسابی ،معمونیی بی‌بدیل از شاهکارهای خدائوندی است. جوهره این عشق به قدری عمیق و معناتر است که نمی‌توان شکوه و بزرگی آن را توصیف کرد. مادر، به قیافوسی می‌ماند که پابانی برای آن متصور نیست و به آفتابی شبیه است که گرمایش ، نور و زندگی می‌بخشد. وجودش همیشه منشاء خیر کثیر است و نفسش دامن را به انگیزش وامی‌دارد.مهر و عطوفت مادرانه ، زمین‌بست بلکه نشأت گرفته‌از صفت عطفوانه و کریمانه الهی است. همچنانکه خدائند نیز.مادر را زینت عرش و ریشه و اساس حیات می‌دانند. براستی در قبال این گوهر یکانه چه می‌توان کرد که جبران کننده زحمات طاقت‌فرسای او باشد و چگونه می‌توان منزلت و حرمت او را پاس داشت؟ به دیگر سخن،حق اولاد بر مادر کدام است و چگونه می‌توان رضایتمندی مادر را که همان رضای خای بزرگ و رحمان است به دست آورد؟ چه عجیب است که فحول و بزرگانی خود را طفل مکتب مادر می‌دانند و قصه‌هایی از موفقیت های خود بازگو می‌کنند که ریشه در دعا و توسل های مردان دارد. این روزها در عین حال.شاهد اتفاقاتی هستیم که کم مهری نسبت به والدین فرونی یافته و با اساسا امروزی ها از حقوق والدین نسبت به فرزندان خود کم اطلاع تر در قیاس با گذشته هستند. ططری که به شدت جوامع غربی را به چالشی جدی و ویرانگر کشانده و بنیاد خانواده را متزلزل و منهدم ساخته است. خانواده ایرانی اما هنوز با پابندیی به این ریشه‌ها، در استحکام بخششین به این نهاد پراهمیت بر اساس مبانی دینی و انسانی تلاش و ایستادگی کرده و نظام حکمرانی برای حفظ این سرمایه بزرگ اجتماعی و انسانی، تدابیر ویژه تری باید اتخاذ کند. مسائلی نظیر:حق زنان سرپرست خاوار، زنان بد سرپرست، زنان از کار افتاده، کارآفرینان شاغل خانگی، زنان کارگر شاغل سخت و زیان آور و …بسیش‌هایی از تکالیف دولت در جهت پشتیبانی با این قشرهای آسیب پذیر در کنار حمایت همه جانبه از حقوق مادران در همه ابعاد به شمار می‌رود. آموزش های دانش پایه ، مهارت های اقتصاد بنیان را میتوان به عنوان نمونه های از سیاست های ملی و محلی قلمداد کرد.اما تربیت مادرانه اولی ترین انتظاری است که ساختارهای هنجارمند باید در تالاب، تقویت و تکامل آن اهتمام ورزند. تربیت مادرانه در بستر شناخت حکمت ارتباطی مادرانه، گونه‌ای ممتاز از روابط عمومی مادرانه‌ای است که فراتر از هر قیاس و قاعده‌ای عمل می‌کند و گاه تا بدلتجا پیش می‌رود که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تبیین کند.وقتی نجوای مادرانه و لالایی های آرشانه‌او، جهان آشفته را برای کودک آرام می‌کند؛ وقتی از منظری تمثیلی او را درقامت باغبانی می‌بینیم که بذرمحبت را با احساس و عاطفه می‌کارد و آبیاری می‌کنندمی‌توان انتظاری جز برداشت میوه ای به نام عشق داشت. درچنین روایتی، که منطقی جز منطقی سه گانه عشق، احساس و قلب‌نمی‌تواند آن را تب